**٦٦ - قدم و ابديّت نفس ناطقه و تعلّقش از آغاز بنطفه و ظهور تدريجی و ترّقی بی انتهايش**

و نيز از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزيز: "نطفه از بدايت دارای جميع کمالات است مثل روح و عقل و بصر و شامّه و ذائقه مختصر جميع قوی لکن ظاهر نيست بعد بتدريج ظاهر ميشود همين قسم کره ارض از اوّل با جميع عناصر و مواد و معادن و اجزاء و ترکيب خلق شده امّا بتدريج هر يک از اينها ظاهر گشت اوّل جماد و بعد نبات و بعد حيوان و بعد انسان ظاهر شد امّا از اوّل اين اجناس و انواع در کمون کره ارض موجود بوده است ... ابتدای تکّون انسان در کره ارض مانند تکّون انسان در رحم مادر است ... روح انسانی قبل از تجلّی در بدن بحالت کمون و نهان وجود داشت و انسان تغييرات عجيبه يافت و اوضاع و اشکال مختلفه حاصل کرد تا باين صورت در آمد ... در عالم رحم نيز در نطفه عقل و روح موجود است ولکن مکتوم و مستور است بعد ظاهر ميشود مانند دانه که شجره در آن موجود است ... روح انسان قديم و ابدی است و در نتيجه ترقّيات بواسطه معرفت حقّ و محبة ‌الله و دعا دارای خصائص و صفات بی منتهی ميشود."

و از آنحضرت در خطابه ای است. قوله العزيز: "اين واضح است که از برای روح توقّف نيست تدنّی نيست. چون تدنّی نيست لابد رو بترقّی است و هر چند مراتب محدود است ولی فيوضات ربّانی غير محدود و کمالات الهی نامتناهی. لهذا از برای روح ترقّی دائمی است زيرا اکتساب فيض مستمر است. ملاحظه فرمائيد روح و عقل انسان ازبدايت حيات رو بترقّی است علم رو بتزايد است لهذا معلومات تناقض ننمايد بلکه در تزايد است."

**\*\*\*\*\*حاشیة\*\*\*\*\***

گفته اند که افلاطون نفس ناطقه را قبل از تکوين اجسام و ابدان موجود ميدانست و ارسطو نفس را حادث و فائض بعد از تکوين ابدان ميگفت.